

در باره تغییر خط فارسی

بارها خوانندگان از ما پرسیده‌اند که در باره تغییر خط فارسی و خاصه تبدیل آن به خط لاتینی چه عقیده داریم؟ در ماههای اخیر نیز که انجمنی برای تغییر خط برپا شد و روزنامه‌ها مطلب نازم‌ای برای جلب توجه خوانندگان خود یافتند بسیاری از خبرنگاران به سراغ نویسندگان این مجله آمدند و به اصرار از ایشان خواستند که عقیده خود را، خیلی مختصر، در چند سطر بنویسند یا در چند جمله بگویند.

آن خوانندگان و این خبرنگاران همه مردمی تنگ حوصله بودند که مجال خواندن و تأمل نداشتند. در یادشان نمانده بود که سخن از آغاز تأسیس به این امر توجه داشته و در شماره‌های دوره دوم مباحثاتی در این باب درج کرده‌است. همچنین شاید ندیده بودند که یک سال پیش هم مقالاتی با عنوان «خط و زبان» و «زبان و خط» در این مجله انتشار یافته و در آنها اصول و کلیاتی مطرح شده است که هر کس بخواهد در این مطلب وارد شود و بحث کند از دانستن آنها ناگزیر است.

اکنون که چنین است ناگزیر باید گفته‌های پیشین را مکرر کرد. نخست باید دانست که هیچ خطی در دنیا کامل نبوده و نیست و اگر بخواهیم خطی داشته باشیم که صوتهای گفتار را تمامی ثبت کند چنانکه خواننده از روی علامتهای خط درست به صورت ملفوظ کلمات پی ببرد علامتهای آن به اندازه‌ای فراوان می‌شود که آموختن و به کار بردن خط را بسیار دشوار می‌کند.

دیگر آنکه میان خطهایی که در کشورهای گوناگون جهان و نزد ملتهای مختلف معمول است البته بعضی نارساتر و بعضی کاملتر، بعضی آسانتر و بعضی دیگر دشوارتر است. از خط چینی که برای هر کلمه علامتی جداگانه دارد و نشانه‌های خطی آن غالباً به بر لفظ بلکه بر معنی کلمه دلالت می‌کنند اینجا گفتگو نمی‌کنیم. زیرا که این گونه خط‌ها از نوع خط ما نیست. خط ژاپونی را نیز که پس از چینی از دشوارترین خطهای دنیاست کنار می‌گذاریم. اما میان خطهایی که نزد ملتهای غربی متداول است و درست یا نادرست امروز چشم همه ما به ایشان است، باز بعضی در کمال دشواری و نارسائی است.

در باره نقصهای خط انگلیسی و فرانسوی دانشمندان آن دو کشور خود بحثهای مفصل و دقیق و گاهی پر شور کرده‌اند تا آنجا که یکی از دانشمندان فرانسه خط امروزی متداول در آن کشور را «شرمساری ملی» خوانده است.

پیش از این از نقص و دشواری خط فرانسوی نمونه‌ای آوردیم (شماره ۱۰ دوره نهم) و گفتیم که تنها مصوت O را که تقریباً معادل حرکت پیش (یا ضمه) زبان فارسی است در خط فرانسوی به ۴۵ صورت می‌نویسند.

اما عیب و دشواری خط انگلیسی شاید از این هم بیشتر باشد تا آنجا که برای نوشتن و خواندن کمتر کلمه‌ای در آن زبان قیاس را با اطمینان خاطر به کار می‌توان برد .

سوم آنکه خط فارسی هم نفس و عیب دارد و شاید طول کلام در این باب زائد باشد. نقصهایی که برای خط فارسی شمرده‌اند اینهاست :

۱- سه مصوت کوتاه یعنی حر کتهای زبر و زیر و پیش را از نوشتن ساقط می‌کنیم.
 ۲- برای يك حرف چند علامت مختلف داریم . مانند علامتهای «س، ص، ث» که هر سه در فارسی یکسان خوانده می‌شود و همچنین «ذ، ز، ض، ظ» و «ت، ط» و مانند آنها .

۳- يك علامت را برای دلالت بر چند حرف مختلف استعمال می‌کنیم . مانند «و» که پنج مورد نوشتن دارد . یکی بیان ضمه یا پیش در کلمات «خوش» و «تو» . دیگری بیان مصوت ممدود «u» یا «واو ماقبل مضموم» مانند «شور» و «او» . سوم بیان حرف صامت «واو» در کلمانی چون «آواز» و «والی» و «عفو» . چهارم بیان حرف مصوت مر کبی که در کلمات «تو» و «جوشن» و مانند آنهاست . پنجم حرفی که در زبان کنونی خوانده نمی‌شود. مانند واو معدوله در کلمات «خواهر» و «خواستن» و واو در کلمه «عمرو» .

۴- حرفهائی هم هست که در کلمات خاصی از نوشتن حذف می‌شود . مانند الف در کلمات «اسحق» و «اسمعیل» و «الله» .

۵- نقطه‌های متعدد در بالا و پائین حروف ، هم سبب دشواری و هم موجب اشتباه در خواندن می‌شود .

يك عیب دیگر هم برای خط فارسی شمرده‌اند و آن اینست که از راست به چپ نوشته می‌شود و من این یکی را با همه توضیحاتی که در باره آن شنیده‌ام هنوز درست

نفهمیده و باور نکرده‌ام که عیبی باشد . *مطالعات فرهنگی* این‌ها خلاصه عیبهایی است که برای خط فارسی شمرده اند و جز آخری همه

درست است . این نقصها را برای آن می‌شمارند تا از آن نتیجه بگیرند که با خط کنونی فارسی نمی‌توان خواندن و نوشتن را خوب و درست آموخت و شاید گروهی معتقد باشند که سبب بی‌سوادی اکثر ملت ایران همین خط است و اگر آن را اصلاح کنیم یا خط لاتینی را جانشین آن بسازیم به آسانی می‌توان همه مردم این سرزمین را با سواد کرد . این عقیده آخرین را بگمانم نخستین بار آقای تقی زاده در رساله «مقدمه تعلیم و تربیت عمومی» به میان آورد ، اگرچه خود ایشان اکنون از آن عقیده عدول کرده اند .

در اینکه امکان دارد که برای نوشتن زبان فارسی خطی ساده‌تر و مناسب تر وضع یا اتخاذ کرد هیچ جای گفتگو نیست . این امکان برای همه زبانها وجود دارد. همه خطها را می‌توان اصلاح کرد و این اصلاح در بعضی از زبانها شامل موارد و نکات بیشتری می‌شود و در بعضی دیگر شماره موارد آن کمتر است . اگر بخواهند خط زبان انگلیسی را

اصلاح کنند شاید صورت نوشتن بیش از نیمی از کلمات تغییر کنند چنانکه دیگر خط جدید با خط کنونی آن زبان شباهت کمی داشته باشد .

اما تا کنون در هیچ يك از کشورهای پیش رفته دست به این کار نزده اند و اگر گاهی اصلاحات مختصری صورت گرفته نسبت به مجموع ، آنقدر جزئی است که به حساب نمی آید . اگر توجه کنیم که آن کشورها وسایل مادی و معنوی برای این کار هزار بار بیش از ما دارند و بسیار زودتر از ما در این بحث ، آن هم با اصول و موازین علمی ، وارد شده اند ناچار به این نتیجه می رسیم که تغییر خط کار آسانی نیست و مشکلاتی در این راه پیش می آید که محتاج رسیدگی و دقت است .

برای کسانی که بخواهند درباره حل این مشکل بزرگ اندیشه کنند لازم است که نخست درجه و میزان ضرورت و فایده این امر را به دقت ، نه از روی هوس و عواطف ، معین کنند و آنگاه مشکلات کار را نیز درست دریابند و این دو امر را با یکدیگر بسنجند تا معلوم شود که راستی با شتاب تمام باید به این کار پرداخت و آن را در صدر اصلاحات کشور گذاشت ، یا می توان در آن درنگ کرد و به کارهایی پرداخت که دشواری و زبان آن کمترست و فایده و ضرورت بیشتر دارد .

اینکه گناه بی سوادی ملت ایران را به گردن خط بگذاریم البته درست نیست . طرفداران اصلاح خط بارها کشور ترکیه را مثال آورده اند که خط خود را به لائینی تبدیل کرد و از آن نتایج و فواید فراوان به دست آورد .

من نمی دانم که آن فواید تا چه درجه بزرگ بوده است . اما می دانم که در این اواخر آماری از شماره بی سوادان آسیا منتشر شد . آنجا شماره نسبی مردم بی سواد ، در ترکیه که بیش از سی سال است خط خود را به لائینی تبدیل کرده است گویا هشتاد درصد بود ، اما شماره نسبی بی سوادان کشور ژاپن ، که خط قدیم خود را با همه دشواری آن حفظ کرده است از يك درصد نمی گذشت .

پس آسانی و دشواری خط نیست که موجب رواج سواد یا بی رواجی آن در کشوری می شود ، و لافل باید یقین کرد که یگانه علت بی سوادی این نیست .

اما مخالفان تغییر خط فارسی به دلایلی متوسل می شوند که در نظر من قوت و اعتبار ندارد . از جمله اینکه آن را از شائرن ملی می شمارند و می پندارند که با تغییر خط یکباره ملیت ما دستخوش زوال خواهد شد .

من این دلیل را درست نمی دانم . اگر راستی تغییر خط فایده عظیم داشته باشد البته باید در آن تأمل نکرد چنانچه بسیاری از آداب و رسوم و شیوه های زندگی ما به حکم ضرورت تا کنون بسیار تغییر یافته است .

مشکل دیگری که طرفداران خط کنونی فارسی در اصلاح خط می بینند اینست که « هنر خوشنویسی ما » از میان می رود : من از طرح این مشکل تعجب می کنم . هنر خوشنویسی تنها تاهنگامی که خط فارسی رایج است اعتبار دارد . خوشنویسان قدیم البته

هنرمند بوده‌اند و آثار ایشان درموزه‌ها نگهداری خواهد شد. اما هنرمندان آینده، اگر راستی هنرمند باشند، هنر خود را به‌جای آنکه در ترسیم دایرهٔ تون و جیم نشان بدهند البته در رشتهٔ دیگر و موضوع دیگر آشکار خواهند کرد.

همچنین می‌گویند این خط با زبان و شعر سعدی و حافظ ارتباط دارد و اگر آنرا تغییر بدهیم ناچار آنرا آن سخنوران هم از میان خواهد رفت.

این استدلال هم غلط محض است. شعر بزرگان ادبیات فارسی را با هر خطی که بنویسیم در آن تغییری داده نخواهد شد. ممکن است بعضی مضمونهای شعری که با شکل حروف رابطه‌ای دارد برای نسل آینده، یعنی کسانی که محقق ادبیات نیستند و شعر را تنها به قصد لذت بردن می‌خوانند نامفهوم بشود. مثلاً عامهٔ فارسی زبانان در صورت تغییر خط نفهمند که مراد از تشبیه زلف به جیم و لب به معیم چه بوده است؟ اما من گمان می‌کنم که این امر ضایعهٔ عظیمی نیست و از چند مضمون بی‌مزه مانند این‌ها آسان می‌توان چشم پوشید.

شعر حافظ و سعدی و فردوسی را امروز با خط ناقص فعلی بیشتر خوانند گمان غلط می‌خوانند و به طبع معنی آنرا هم درست در نمی‌یابند. اگر این شعرها به طریقی نوشته شود که هر کس بتواند بی‌اشتباه بخواند و فهم معنی آنها برای جویندگان آسانتر شود البته در حفظ این آثار سودمندتر خواهد بود.

امانکته‌ای که دو طرف موافق و مخالف کمتر به آن توجه کرده‌اند، مشکلائی است که تغییر خط فارسی کنونی در راه آموختن زبان رسمی کشور ایجاد خواهد کرد.

چنانکه می‌دانیم از قرنهای پیش ازین مهمترین وسیلهٔ ارتباط مردم این سرزمین پهناور، که هر یک به لهجه‌ای ایرانی یا گاهی غیر ایرانی سخن می‌گفته‌اند، همین زبان رسمی کشور یعنی زبان فارسی دری بوده‌است. چنانکه امروز نیز هست. امروز همه می‌گوئیم که دانش و ادبیات و فرهنگ متناسب با دنیای کنونی را به این زبان بیان کنیم. پس اگر تغییر خط موجب آن بشود که به زبان فارسی، یعنی زبان رسمی و مشترک همهٔ ایرانیان خللی برسد البته باید در این کار تأمل کرد.

در خط کنونی فارسی، چون سه حرف مصوت نوشته نمی‌شود اختلافهایی که در تلفظ بیشتر کلمات هست آشکار نیست. یعنی نقص خط که خود مانع شده است تا هر کلمه در فارسی نیز، مانند همهٔ زبانهای رسمی و ادبی، صورت ملفوظ واحدی داشته باشد پرده پوش این اختلاف و پراکنندگی است. اما همین که کلمات را بنا الفبای دقیق بنویسیم اختلاف و تفرقه ظاهر می‌شود.

برای توضیح مطلب مثالی می‌آوریم: کلماتی که در خط کنونی به های بیان حرکت ختم می‌شود (مانند خانه) در تلفظ فارسی زبانان امروز دو گونه ادا می‌شود. بعضی حرف صامت آخر را به فتح و بعضی به کسر تلفظ می‌کنند. در بعضی نقاط هم در این مورد دو نوع تلفظ هست. یعنی اگر کلمه مستقل باشد تلفظ حرف آخر آن به کسر است و اگر

کلمه دیگری در دنبال آن بیاید که صورت ترکیبی به آن بدهد (مانند : رفته بودم) آنکه حرف آخر را به فتح تلفظ می کنند .

این نکته را نیز باید دانست که در فرهنگهای قدیم تلفظ حرف آخرین این گونه کلمات به فتح ضبط شده است . بعضی از آموزگاران را هم دیده‌ام که نوآموزان را وامی دارند تا های آخر کلمه را که تنها برای بیان حرکت نوشته می شود به تلفظ در آورند .

همه این اختلافات در خط کنونی پنهان است . اما همینکه الفبای دقیقی اتخاذ کردیم با این مشکل روبرو می شویم که کدام صورت را باید قبول کرد و در نوشتن و تدریس بکار برد .

این تنها يك نمونه از مشکلاتی است که در پیش است و هزاران نمونه دیگر می توان ذکر کرد . شاید بعضی کسان که در این کار تأمل کافی نکرده اند گمان داشته باشند که حل این گونه مشکلات آسانست . خوانندگان سخن به یاد دارند که در این باب مجله آزمایشی کرد و يك نکته ساده را که گمان می رفت در باره آن آسان اتفاق نظر حاصل شود به معرض رأی اهل فن گذاشت . آن نکته کوچک این بود که آیا حرف اضافه «به» را جدا باید نوشت یا به کلمه بعد وصل باید کرد .

کسانی که در این بحث شرکت کردند همه دانشمند و اهل فن بودند . اما هر يك موضوع را از طرفی نگریسته و بنای استدلال را بر پایه دیگری گذاشته بود . سرانجام چندین صفحه مجله در شماره های متعدد به درج عقاید ادیبان صرف شد و از این بحث نتیجه ای به دست نیامد تا تکلیف کسانی که با خواندن و نوشتن سروکار دارند اما شغل و پیشه ایشان بحث و تعمق در قواعد زبان نیست معین باشد .

اتخاذ الفبای لاتینی یا هر الفبای دیگر، و قرار دادن يك شکل برای دلالت بر يك حرف فارسی، آسانترین قسمت این کار است و با کمال تأسف می بینیم که طرفداران اصلاح خط فارسی کار را از آخر آغاز کرده و تنها ساده ترین مرحله آنرا در نظر گرفته اند .

شک نیست که نیت اصلی ما در تغییر یا اصلاح خط فارسی آنست که تعلیم خواندن و نوشتن را برای عامه آسان کنیم . اما اگر این عمل ما ، برخلاف قصد و منظور ، این نتیجه را به بار بیاورد که کلمه چندین صورت پیدا کند و نوآموز بیچاره در بماند که کدام يك را باید پذیرفت و به کاربرد آیا نقض غرض نکرده و بردشواری کار نیفزودیم ؟

ممکن است گفته شود که این مشکلات را در ضمن عمل رفع خواهیم کرد . اما چرا پیش از آنکه به مشکلی دچار شویم در پی حل آن بر نیائیم . در همین خط کنونی در موارد متعدد کلمه واحد به صورت های مختلف نوشته می شود و هر نویسنده ای شیوه ای مخصوص خود پیش گرفته است . برای آنکه ثابت شود که مشکلات آینده را می توانیم از پیش برداریم چه عیب دارد که به عنوان نمونه یکی دو مشکل را مطرح کنیم و نشان بدهیم که قابلیت حل آنرا داریم . بعد به کارهای بزرگتر دست بزنیم .

(سخن)